

**ما امروز در فضای انتخابات قرار داریم، با چه زاویه دیدی می توانیم آنچه در شرف وقوع است به شکل واقع بینانه رصد کنیم؟**

من سعی می‌کنم با نگاه راهبردی به این موضوع بپردازم، منظورم از زاویه دید راهبردی، نگاه فراتر از میدان است. ما می‌توانیم باسه‌نوع پدیده‌های پیرامونی خود را تحلیل کنیم. اول، نگاه میدانی که بسیار رایج است و فرد معمولی هم می‌تواند داشته باشد و متأسفانه در جامعه ما برخی نخبگان مان حداکثر نگاه‌شان، میدانی است. سطح دوم، نگاه فرامیدانی یا نگاه راهبردی، استراتژیک و به‌اصطلاح هلی‌کوپتری است، یعنی شما این بخش یا موقعیت را با توجه به موقعیت اطراف‌ان و مجموعه تکه‌های پازل ببینید و شرح وضعیت کنید. نگاه سوم که بسیار کلان‌نگر است، نگاه ماهواره‌ای است که هم ژئواستراتژیک می‌شود، هم ژئوپلتیک‌و هم ژئواکونومیک‌و در حقیقت همه این حوزه‌ها را در برمی‌گیرد و معمولاً این نگاه در کشور ما غریب است که البته بحث مفصلی می‌طلبید و اگر مجال‌ی بود، روزی می‌توان از آن نگاه‌سوم به مسائل کشور نگریست. من فعلاً از نگاه سوم عبور می‌کنم و در این گفت‌وگو از ایوان یا نگاه دوم- راهبردی یا فرامیدانی- به موضوع توجه می‌کنم، به این معنا که اینجا وقتی می‌خواهیم ایران و نظام انتخاباتی آن را ببینیم، می‌روم دنیا را می‌بینم و ایران را هم در این فضا بررسی می‌کنم. در اکثر کشورهایی که حزب دارند، یعنی نظام حزبی دارند و حزب در آنها حضور مؤثر است یا این طور بگوییم انتخابات‌شان حزبی است، در آنجا بار اصلی انتخابات و کشاندن مردم پای صندوق‌های رأی را احزاب انجام می‌دهند. آن طور که من بررسی کرده‌ام و ۳۲سالی که در حوزه بین‌الملل مشغول هستم، ما تنها کشور در دنیا هستیم که به رغم اینکه احزاب سیاسی متعددی داریم- می‌دانید که آمرآ حزب و تسک‌ل‌های سیاسی دارای مجوز به فعال هم هستند، امروز به ۱۵۵تشکل و حزب رسیده است- اما عملاً احزاب در نحوه مشارکت مردم در انتخابات‌های ما تأثیری ندارند.

چرا؟

چون انتخابات‌های ما فردی است و احزاب فقط باید پول هزینه کنند. طبیعی هم است که به میدان نمی‌آیند. در کشورهای دیگر چه اروپایی، آفریقایی، آسیایی یا امریکایی، موقعی که حزب برای کسی پول خرج می‌کند، از قبل او پول هم درمی‌آورد. قاعده‌دنیای امروز همین است. دنیای داد و ستد این‌طور نیست که شما فقط بروید و بپایزد. اصلاً طرف به قدرت می‌رسد تا هنه‌ها را بر گر باند، البته انتخابی خط قرمز است که از خارج به حزبی کمک شود، اما در داخل کشور اگر جای که مربوط به اموال عمومی نیست باشه رانت ندارد، کمک‌های مردمی یا شرکت‌ها برای اداره امور احزاب اشکالی ندارد. در کشور ما راجل سیاسی، چون زن هم مرد، شخصیت‌های سیاسی ما در واقع از احزاب به عنوان تری‌دولان استفاده می‌کنند، در حزب امروز در دنیا مکانی برای مانور سیاستمداری و دولتمداری است. حزب جایی است که شخصیت سیاسی آنجا می‌رود، مفاد و جایمایهٔ قانون اساسی، منافع ملی، هنجارها و ارزش‌های ملی کشور را یاد می‌گیرد و متوجه تضادهای مصالح ملی می‌شود و چرایی و کارکرد خطوط قرمز را می‌فهمد.

**یک نوع مدرسه حکمرانی است.**

دقیقاً! آن‌جا می‌رود و این همه را یاد می‌گیرد. حزب، پهنه و مکانی است که فرد در آنجا مانور می‌کند، مثل نیروهای نظامی که مانور انجام می‌دهند و به آمادگی می‌رسند و وقتی تازه به آمادگی رسیدند، وارد صحنه می‌شوند، بنابراین آن شبیه‌سازی انجام نشود، مستقیم وارد فضای عملیاتی نمی‌شوند. امروز در دنیا در حوزه سیاست، راهبردی و حکمرانی این وظیفه‌ها و احزاب در حوزه سیاست انجام می‌دهند، در حوزه اجتماع و فرهنگ، NGOها یا سمن‌ها انجام می‌دهند، چون در تربیت اجتماعی و فرهنگی هم مهارت دارند، سمن‌ها در تربیت اجتماعی و فرهنگی عهده‌دار هستند، البته در کشور ما سمن‌ها یا NGOها خیلی موفق‌تر از احزاب هستند. سمنی که در جامعه ما آدم تربیت می‌کند، هیئت‌های مذهبی هستند، تشکل‌های غیردولتی هستند که سیاسی نیستند و کارشان، فرهنگی و اجتماعی است.

**یا سمن‌هایی که در حوزه دردمان کار می‌کنند.**

بله و اصناف را ببینید. در واقع پایه ساختار اقتصادی ما NGO است. وقتی اصناف از صداوندی سال پیش در ایران شکل گرفت، بنا بر این بود که اصناف، اقتصاد و تجارت و کسب‌وکار را پایه‌سازی و ریشه‌سازی کنند. سمن‌ها در جامعه ما موفقند اما NGO قرار نیست کار سیاسی کند. انهایی که قرار است کار سیاسی انجام دهند و شخصیت دولتی تربیت کنند، احزاب هستند. دیروز یا تعدادی از دوستان در این باره مطالعه و مرادو داشتیم و گفتیم، ما که همه رای می‌دهیم، اما با اینکه پنج روز بیشتر به انتخابات نمانده- زمان مصاحبه، یک‌شنبه این هفته- هنوز نمی‌دانیم به چه کسی رأی دهیم، چون هنوز فهرست تشکل‌های بیرون نیامده است که من انتخاب کنم، هنوز فهرستی قطعی نشده است.

**در واقع می‌گویید احزاب و جریان‌های سیاسی ما کم‌کاری می‌کنند.**

من کاری به هیچ تفکری ندارم. می‌خواهم بگویم من که در تهران باید به ۴۶نفر رأی بدهم- ۱۶نفر خیرگان و ۳۰نفر مجلس- باید‌ا یک ما قبل این‌نامزدها را بشناسم و برنامه‌های‌شان را بدانم.

**در واقع ما از مردم انتظار داریم در انتخابات شرکت کنند، آن وقت یکی از مهم‌ترین مهره‌های این انتخابات که احزاب ما هستند و باید سر وقت حاضر شوند، آماده نیستند.**

احزاب سیاسی در ایران ۴۵سال است شب‌امتحانی‌اند. اگر احزاب را همین ۱۵۵حزب فعالی که امروز داریم در نظر بگیریم، این تشکل‌ها که مجوز قانونی دارند و سالیان سال است فعالند، چرا این‌طور را کردند؟ نتیجه این رکود این است که من پنج روز مانده به انتخابات- زمان مصاحبه- تکلیف خود را نمی‌دانم.

**شما اشاره می‌کنید که ما در حوزه NGOها موفق تر عمل کرده‌ایم تا احزاب. آیا علت این موضوع نمی‌تواند این باشد که به تعبیر شما، ما آن نگاه استراتژیک را نداریم؟ چون در**

**گفت‌وگو**

**حسن فرامرزی**

**در گفت‌وگو با دکتر داریوش صفر نژاد، تحلیلگر و پژوهشگر حوزه بین‌الملل مطرح شد**

# چشم احزاب ما به رأی شب‌امتحانی است



رضا دهشیری | جوان

**دکتر داریوش صفر نژاد، تحلیلگر ارشد بین‌الملل با تمرکز بر مسائل منطقه اوراسیا است و اندوخته نظری و عملی او در مراودات بین‌المللی باعث شده است وی زاویه دید راهبردی را برای تحلیل بهتر آنچه امروز در فضای انتخابات کشور می‌گذرد، پیشنهاد کند و به تبع آن فضای انتخابات موجود را در قیاس با کارکردهای مشابه آن در سایر کشورها به ویژه کشورهایی که تجزب در آنها ریشه‌دارتر است، ببیند. در آستانه انتخابات مجلس و خبرگان با این کارشناس و تحلیلگر گفت‌وگو کرده‌ایم. بخش اول این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

#### این کار قابل توجه است؟

حضور در میدان خوب است، اما مشغول شدن به میدان اشتباه. شما بین مردم باشید، خیلی خوب است. یعنی مسئولان قاطی مردم نمی‌شوند. اتفاقاً در نظامی که قرار است مردم‌سالار باشند، این یک ضرورت بنیادین است. جمهوری اسلامی از روز اول می‌گوید، مردم‌سالاری دینی. از همان نوبل لوشاتو احزاب و گروه‌های سیاسی معارض شاه بر سر ساختار نظام سیاسی با امام بحث می‌کردند، اما حرف (امام‌را) این بود: جمهوری اسلامی، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر. خب اگر بخواهیم جمهوری اسلامی را ترجمه کنیم، یعنی پایه‌های اصلی این نظام مردم هستند. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: مردم عمود و ستون دین هستند. آقای رئیسی تازه رئیس‌جمهور شده و رفته بود برای دیدار با علما و مراجع، خاطر ناخشان باشد در این ملاقات، آیت‌الله

جواد(ی املی سخن حضرت علی(ع) را مطرح کردند که آقای رئیس‌جمهور محترم! مردم، عمود و ستون دین هستند، پس ما این سکل از نظام مردم‌سالاری را قبول داریم.

**نه اینکه نمایشی و موسمی باشد.**

در دنیا کشاندن پای مردم به صندوق‌ها و فرسنگ‌سازی برای رأی‌دادن و دعوت از مردم برای حضور در صندوق‌های رأی به عهده احزاب است و البته منفعت حزب، گروه و تشکل هم در گرو حضور مردم است. خب این طبیعی است که جمهوری اسلامی به لحاظ ساختار سیاسی به کنشگران ما این سیالی و پویایی هست، پس ساختار انتخاباتی ما به اینکه ۱۵۵حزب، گروه و تشکل و ۳۲اتلاف و جریان فعال در فضای انتخابات حضور دارند، همین احزابی که در وزارت کشور ثبت‌نام کرده‌اند و فهرست می‌هند. اینها بازیگران میدانی ما هستند و این کمیّت اتفاقاً خیلی خوب

**یعنی شخصیت‌های سیاسی احزاب را به عنوان یک کالای کم‌وییش یک‌بار مصرف و وسیله می‌بینند؟**

بله، در حالی که احزاب باید وسیله‌ای برای نظام و انتظام ملی باشد.

**نه یک نردبان برای ترقی فرد.**

حزب باید ابزار تأمین‌کننده و برقرار کننده انتظام ملی باشد. نکته بعدی این است که احزاب سیاسی موجود ما حکمران تربیت نمی‌کنند. شخصیت سیاسی کسی است که علاوه بر تخصص خودش، تمام مجموعه را می‌بیند و نگاه راهبردی به تمام پدیده‌های رایج دارد که در کشور جاری است. با این حال ما در حوزه تربیت حکمران که وظیفه اول احزاب سیاسی است، کار جدی در کشورمان نمی‌بینیم. نکته بعدی که باید به آن توجه کرد، گنجاندن این مفاهیم در کتب آموزشی و دروس مدارس ماست. اگر قرار است نظام جمهوری اسلامی باشد و مردم و احزاب سیاسی و سمن‌ها در آن فعال باشند، شما باید فلسفه و جودی این ساختار‌ها را به کتاب‌های درسی بیابورید و به دانش آموز آموزش دهید اما اینها در کتاب‌های درسی ما نیست.

**منظور ناکن از محتوای درسی مثلاً درباره منافع ملی است؟**

منافع ملی، تعارض‌های ملی، ارزش‌های ملی، سیاست‌های ملی و نگاه ملی. اگر این نگاه ملی از مقطع ابتدایی آموزش داده نشود، شما در دانشگاه‌ها هم نمی‌توانید توفیق مؤثر و چندانی داشته باشید. اما از آن طرف اگر آموزش‌وپرورش به این عرصه ورود کرد، شما دیگر ایام انتخابات نمی‌خواهید زور بزنید که مردم را پای صندوق‌های‌بیاورید چون آن‌فرد متوجه اصل داستان شده و اتوماتیک پای کار است.

**در واقع نیازی به محرک بیرونی نیست.**

بله، چون می‌داند که حتی اگر می‌خواهم وضع موجود را به نفع سلیقه خود تغییر بدهم، باید بنایم پای صندوق رأی.

**پس هر چقدر بینش ما گسترده می‌شود، قهر ما کمتر می‌شود.**

الان سلیقه‌های متنوعی در فضای انتخابات داریم، اما خیلی‌ها این فضا را نمی‌شناسند. از طرفی احزاب سیاسی در ایران سعی می‌کنند ترجمه رفتار غرب را داشته باشند، در صورتی که در ایران نظام سیاسی مردم‌پایه و مردم‌سالار است و این حزب سیاسی باید بومی باشد. ما تقریباً هر دو سال یک‌بار انتخابات داریم و این حزب‌سیاسی در سبیل و زلزله و آسیب‌های اجتماعی و حوادث ملی- چه شادی و چه عزای ملی- باید حضور داشته باشد. دیدید که حادثه کرمان رخ داد، آرزو بر دلم ماند که دو حزب سیاسی حداقل به خاطر انتخابات هم که شده بیاینه بدهند و تسلیت بگویند. فلان جای‌زلزله می‌آید. مردم هم اینها را می‌بینند. از این زاویه ما باید فکاتر در‌خشان و مطلوب آموزش‌های غربی را بگیریم و با واقعیت‌ها و رهنمودهای جاری در کشور ترکیب کنیم تا پایه یک حزب سیاسی موفق باشد.

**در واقع از نگاه شما مهم است که مردم حس کنند حزب یا کنشگر سیاسی در طول سال در زندگی آنها حضور دارد و صرفاً یک مطالبه موسمی رأی نباشد که من رأی تو**

## گفت‌وگو

سروش سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

**را می‌خواهم و بعد هم ر‌هایت می‌کنم.**

رفت ناشب‌امتحان بعدی و اصلاً برنامه‌ریزی مجدد احزاب مابرای گرفتن رأی هم شب‌امتحانی است.

**پس زمانی ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم مشارکت کنند که کنشگران سیاسی ما به مردم نشان دهند آنها را می‌بینند، در صورتی که بیشترین تماس مردم در زندگی با اقتصاد جامعه است.**

دقیقاً همین‌طور است و الان اقتصاددان‌ها منگشته و بر پایه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نسخه‌های این نهادها برای مردم نسخه می‌پیچند، در صورتی که رئیس بانک جهانی را چه کسی انتخاب کرده است؟ رئیس جمهوری آمریکا که دشمنم مقابل ماست. آیا ما در سیاست از امریکا تبعیت داریم؟ نه! در اعتقاد تبعیت داریم؟ نه! در فرهنگ و اجتماع تبعیت داریم؟ نه! اما در اقتصاد تبعیت داریم.

**شما اشاره کردید که احزاب سیاسی در کشوری مثل امریکا به نوعی سیاستگذار اقتصادی هم هستند، آیا می‌توانیم بگوییم علت اینکه ما نتوانستیم نابسامانی‌های اقتصادی خود را جمع کنیم، این بود که زیرنظام‌های سیاسی ما- احزاب ما- نتوانستند کنشگر باشند؟**

البته نه هر کشگری؛ کنشگری که طراحی می‌کند، برنامه می‌آورد، نظر سنجی می‌کند، بازخورد می‌گیرد و در نهایت برنامه‌ها را بومی می‌کند. یک مثال بزنم. من اگر بخواهم با نسخه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، قیمت انرژی را در ایران تعیین کنم، چطورو عمل خواهم کرد؟ آنها می‌گویند قیمت تمام‌شده به‌علاوه ۲۵ تا ۴۰درصد مالیات. با این قاعده قیمت تمام‌شده سوخت با حمل‌ونقل می‌شود حدود یک دلار، حالا ۵۰سنت مالیات را هم اضافه می‌کنیم که با قیمت الان دلار می‌شود ۱۰۰هزار تومان، یعنی من اگر بخواهم اقتصاددان باشم و با همین الگویی که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود، قیمت سوخت را تعیین کنم، می‌گویم هر لیتر بنزین ۱۰۰هزار تومان. اما آیا در جامعه هنجارمند ما با این نظام مردم‌سالاری می‌شود این کار را کرد؟ اینجاست که احزاب سیاسی باید ورود کنند و اتاق فکر بگرداند که چه قیمتی برای بنزین تعیین کنیم که بیشترین رضایت عمومی و مردمی را در پی داشته باشد. شما الان حتی با مردم کوچه و خیابان هم که در این باره صحبت کنید، می‌گویند هزار و ۵۰تومان برای هر لیتر بنزین ظلم است، چون نیم لیتر آب گران‌تر از بنزین است، اما از آن طرف اگر بخواهید بنزین را ۱۰۰هزار تومان کنید آن هم درست نیست. خب چه کسی اینجا باید ورود کند؟ چرا ما همه را بر دوش دولت‌های اندازیم؟ طبیعی است که فقط دولت‌ها نمی‌توانند اجرا کنند. من کار با این دولت و آن دولت ندارم. این یک روند است، به‌خاطر همین وقتی می‌خواهند اجرا کنند، حتی سرصودا نمی‌آورند و چراغ خاموش جلو می‌روند اما یک دفعه اشوب و اغتشاش می‌شود.

**در واقع ما آن حلقه واسط را گم کرده‌ایم.**

گم نکرده‌ایم، این حلقه واسطه، را کد است، اکتیو و فعال نیست. پسپو است. ناظر ایستا است نه ناظر فعال. احزاب سیاسی وجود دارند، می‌بینند اما نظرات آنها ایستا است. اتفاقاً ورود به این عرصه‌ها بسیار به شناخت احزاب در میان مردم کمک می‌کند. مردم موقعی که می‌بینند خاتم یا آقای ایکس نشسته است درباره مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظر می‌دهد، خب ما به همین واسطه است که او را می‌شناسیم. یکی از کارهای خوب و منحصربه‌فرد صداوسیما در این دوره ۲۰۰شبکه تلویزیونی انتخاباتی است. در تهران پنج کانال داریم، از کانال ۵۱ تا ۵۱۶دیجیتال. افسردی که در عنوان نامزد می‌آیند، صحبت می‌کنند، برای من اظهارات این نامزدها در خیلی مهم است. اصلاً بدی احرف تری‌ند؟ ذهن منسجم و منظومه فکری دارد؟ برنامه دارد؟ صداوسیما توانمندترین مجری‌هایش را هم پای کار آورده و واقعا هم کار سنگینی است. چون فقط در تهران ۳هزار و ۲۰۰تخفر کاندیدا کشیده‌اند، این یعنی به ازای هر کرسی ۱۲نفر نام‌نویسی کرده‌اند و آن وقت به این حجم از نامزدها در تلویزیون تریون داده‌اند. خب این کار خوبی بود، اما از این باب که مردم با این افراد آشنا می‌شوند. گاهی گفت‌مان‌هایی را از این افراد می‌شنویم که واقعاً جای خالی آنها را در اتاق‌های فکر حس می‌کنیم. می‌بینید فرد یک پزشک عمومی، کارآفرین، مهندس یا مدیر است. طرف دکتر دارد و معلم ابتدایی است. خانمی که آمده و حرف‌های تخصصی زیادی برای گفتن دارد. آنجا حس می‌کنید که جای این فرد در اتاق فکر آموزش‌وپرورش خالی است. اگر رسانه‌های ما در طول سال آرام آرام این چهره‌ها را به مردم معرفی کنند، نامزدهای مردم، آشنا این کار را انجام نمی‌دهند. شما الان به عنوان شخصیت سیاسی و اقتصادی در طول سال مصاحبه کنید و نظر دهید، کسی به شما اعتراض می‌کند؟ پس چرا این کار را نمی‌کنید؟ برای اینکه فرد می‌ترسد دو غلط دیکته داشته باشید، بنابراین این کار را نمی‌کند، اما در غرب این کار را می‌کنند، به خاطر همین آنجا شخصیت‌های سیاسی از طریق احزاب و قبل از انتخابات به مردم و افکار عمومی شناسانده می‌شوند. در امریکا ۱۶ماه به انتخابات مانده شروع می‌کنند و هر حزب می‌تواند ۱۶نفر را معرفی کند که این افراد در رقابت باهم قرار بگیرند. اما آن چهار ماه آخر، نماینده هر حزب یک نفر می‌شود، اما چون آنجانظام سسر مایه‌داری است، هر کسی که پول می‌دهد، تر بیون در اختیارش قرار می‌گیرد و چون فقط دو حزب پول دارند، عملاً دو نامزد جلو می‌آیند. در حالی که معمولاً در انتخابات‌های امریکا هفت نفر، ۹نفر و حتی تا ۱۳نامزد را هم داشته‌ایم.

**اگر بحث را جمع‌بندی کنید، چه نکاتی قابل ذکر خواهد بود؟**

در نهایت می‌خواهم این نکته را بگویم که احزاب و شخصیت‌های سیاسی که امروز نمود آن را در فضای انتخابات کشور می‌بینیم، ظرفیت فوق‌العاده مهم کشور هستند و نباید سهل‌انگاری با این قضیه برخورد کرد، چون حزب و شخصیت سیاسی، حلقه واسط میان مردم و حکمران‌ها، سیاستگذارها و برنامه‌ریزهاست. اما مسئله ما این است که احزاب ما ناظر ایستا هستند، نه‌ناظر فعال و ما چار‌های نداریم این کنش را باهمزهدندی کنیم.